

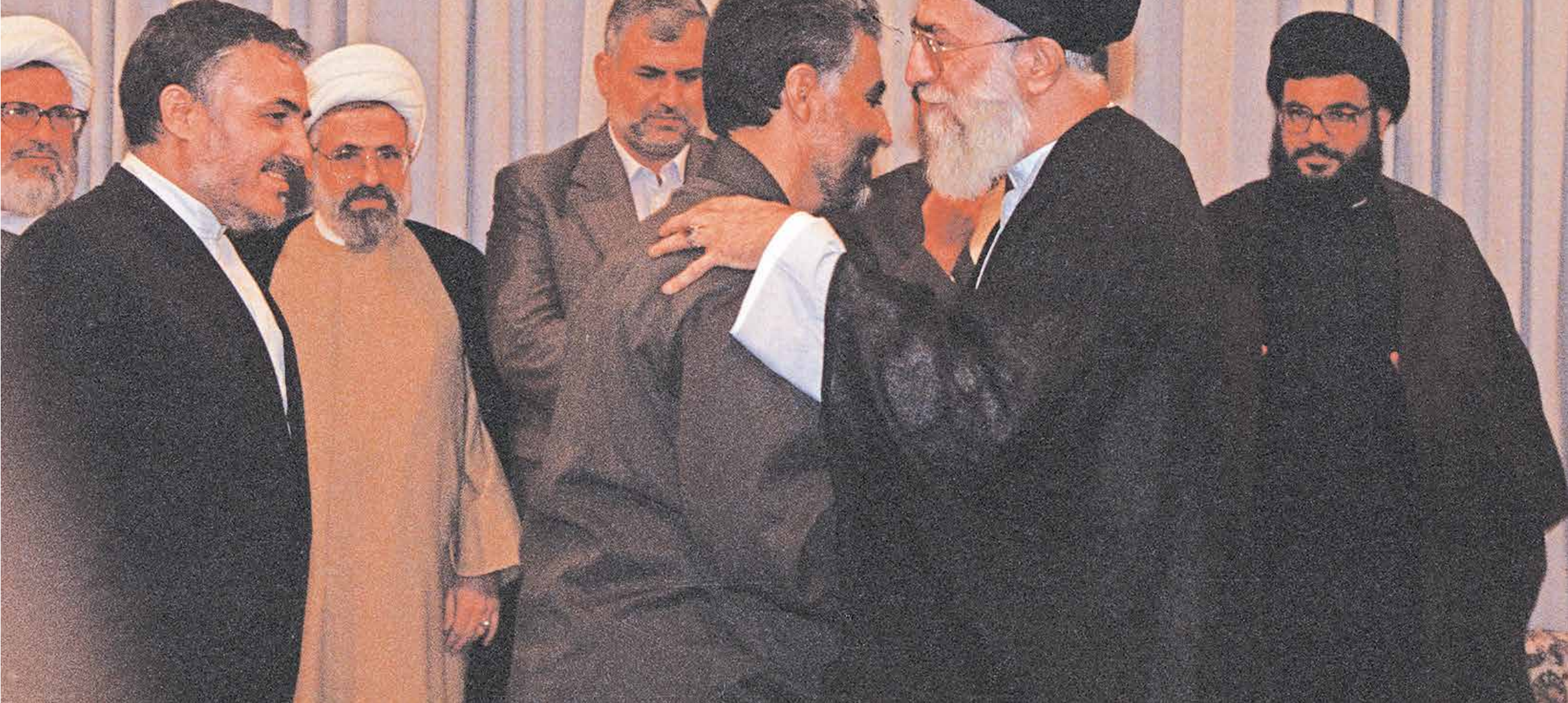
# ایران

ویژه نامه دومین سالگرد شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی – دیماه ۱۴۰۰



# اسرار حاج قاسم

**گفت و گوی مدیر شبکه تلویزیونی المیادین باسید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در اولین سالگرد شهادت شهید سلیمانی که متن فارسی این گفت‌وگو برای اولین بار در «ایران» منتشر می‌شود**



تصویر منتشر شده از دیدار شورای مرکزی حزب اللهلبنان با رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴

آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی اختصاصی **غسان بن جدو**، مدیر شبکه تلویزیونی **المیادین با آقای سید حسن نصرالله**، دبیر کل الله لبنان است که دقیقاً یک سال پیش انجام شده است و توسط آقای **رامین حسین آبادیان** ترجمه شده است.

\*\*\*

**غسان بن جدو**: ما در حال حاضر در آستانه اولین سالروز شهادت دو شهید بزرگ یعنی «قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» قرار داریم. گذشت زمان ثابت خواهد کرد که این دو شهید بزرگ چه خدمتی را به آزادگان در سراسر جهان ارائه کردند. نونل‌های «غزه»، دیوارهای «بغداد»، «تکریت»، «اعظمیه» و… گوایه بر این خدمات هستند. سوره‌به‌سر بلند با ملت بزرگی که دارد گواه بر این خدمات است. «حلب سرافراز» خود گواه بر این خدمات است. امریکای لاتین محاصره‌شده خود به خوبی این خدمات را می‌شناسد. «ضاحیه» عزت و شرافت این خدمات را می‌شناسد. میدان‌های عربی که در برابر تجاوزگری‌های اعراب ایستادند، به خوبی از این خدمات آگاه هستند. جملگی آنچه که نام بردیم، می‌دانند که «حاج قاسم» چه خدمات میدانی، راهبردی و انساندوستانه‌ای را ارائه کرده است. آنها به خوبی می‌دانند که مادر باره‌بار همیشه «حاج قاسم» یعنی «ابو مهدی المهندس» چه می‌گویند؟ اگر بخواهیم با زبان انصاف سخن بگوییم، باید گفت که او [شهید المهندس] با تمام وجود خود در برابر اشغالگری و تروریسم ایستادگی کرد. او تا آخرین نفس خود با فلسطین و امت اسلامی باقی ماند. «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس»، تا آخرین نفس و لبخند خود و از زمان حیات تا شهادت‌شان در خط مقاومت ایستادند. با تمامی این‌ها، این فریکار بازنده [ترامپ] سالی بی‌شمر و بی‌نتیجه خود را با ترور آغاز کرد و جنایت قتل دو فرمانده بزرگ را رقم زد. این جنایت در تاریخ خود در برابر اشغالگری و تروریسم گام نهاده‌اند. این عادی‌سازی، همان شرکای جنایت قتل فرماندهان هستند. با این حال، مقاومت با عقل و قلب خود از این دو شهید بزرگ استقبال به عمل آورد. مهمترین اتفاقی که پس از شهادت آنها رخ داد، مراسم‌های باشکوه تشییع پیکرهایشان بود که روزها و لحظات تاریخی‌ای را رقم زد. با برگزاری مراسم‌های باشکوه تشییع پیکرها پروژه استقلال و آزادی تکمیل شد. اکنون ما در اینجا افتخار میزبانی «سید حسن نصرالله» را داریم.

۲۰ ژانویه نیز محتاط خواهیم بود. من معتقدم که اجرایی شدن این عملیات‌ها تنها به وجود ترامپ در قدرت منوط نیست و مسأله انجام آنها همچنان در دوره ریاست جمهوری بایدن نیز مطرح خواهد بود، زیرا امریکایی‌ها به آن به‌عنوان جزئی از نبرد کنونی می‌نگرند.

**این تنها هدف امریکا است؟ هدف اسرائیل نیست؟**

هدف امریکا و اسرائیل است.

**یعنی جناب «نصرالله» شما خود را یکی از اهداف امریکا و اسرائیل برای ترور می‌دانید؟**

بله، نه تنها من، بلکه دیگر فرماندهان و رهبران «حزب‌الله» نیز اهداف آنها برای ترور هستند.

**اما چرا آن را هدف مشترک امریکا و اسرائیل می‌دانید و آن را تنها هدف اسرائیل قلمداد نمی‌کند؟**

شما نگاه کنید: زمانی که برادر ما «حاج عماد مغنیه» (رحمه‌الله) به شهادت رسید، تمامی اطلاعات و داده‌های میدانی دال بر این بود که این ترور یک ترور امریکایی، اسرائیلی، مشترک بوده است. حتی در رسانه‌ها نیز گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داند ترور «حاج عماد مغنیه» تنها کار امریکا و ایاتپنا کار اسرائیل نبوده است. به طور کلی، هدف قرار دادن فرماندهان و رهبران «حزب‌الله» لبنان یک هدف امریکایی، اسرائیلی، مشترک است.

من در اینجا می‌توانم نام عربستان سعودی را نیز اضافه کنم. می‌توانم بگویم که ترور «هیران و فرماندهان «حزب‌الله» یک هدف مشترک امریکایی، اسرائیلی و سعودی است. علت آن است که مسأله فقط نبرد با اسرائیل نیست، بلکه

مسأله مقابله با پروژه «هیمنه امریکایی» و حامیان آن بر منطقه است. بنابراین، هرکسی که در برابر این پروژه بایستد، از راه جانش بکشدند و در نهایت نیز آن را با شکست مواجه سازد، توسط آنها مورد هدف قرار می‌گیرد. ما موضوعات را در این چهارچوب بررسی می‌کنیم.

**سعودی‌ها، امریکا و اسرائیل را تشویق و تحریک به ترور شما کردند؟**

از مدت‌ها پیش آنها چنین اقدامی کردند.

**دقیقا از چه زمانی؟**
حداقل از زمان آغاز جنگ تجاوزکارانه و ظالمانه علیه ملت یمن.

**معذرت می‌خواهم؛ این گفته شما مبتنی بر داده‌ها و اطلاعات است و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها؟**

**آیا ممکن است بیشتر در رابطه با این اطلاعات و داده‌ها سخن بگویید؟**

این اطلاعات از منابعی در اختیار من قرار

داده‌اند که طبیعتاً من نمی‌توانم اسمی از آنها ببرم. پس از انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور امریکا، «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی سقری به امریکا داشت و با او دیدار کرد. در دیداری که بن سلمان با ترامپ داشت، یکی از اهداف او این بود که موافقت امریکا برای ترور من را به دست آورد. پس از اینکه بن سلمان امریکا را ترک کرد و به کشور خود بازگشت، طرف‌های مختلفی چنین هشدارهایی را به من دادند و گفتند که اطلاعات نشان می‌دهد امریکا به طرف سعودی گفته است که مسئولیت انجام عملیات ترور را بر عهده اسرائیل خواهد گذاشت. براساس اطلاعاتی که داریم، امریکایی‌ها به بن سلمان گفته‌اند که اگر چنین کاری را انجام دهیم، ممکن است بدنبال آن جنگی به وقوع بپیوندد. طرف سعودی نیز پاسخ داده است که اگر جنگی رخ دهد، هزینه‌های آن را پرداخت می‌کند. طبیعتاً سعودی‌ها پول ندارند. بنابراین، فرضیه ترور من به‌عنوان یک فرضیه واقعی مطرح بوده است.

**من می‌توانم از سخن شما اینگونه نتیجه بگیرم که امریکایی‌ها در خواست عربستان سعودی مبنی بر ترور تان موافقت کردند؟**
در آن زمان، اینگونه به ما گفته شد.

**یعنی من می‌توانم اینگونه نتیجه بگیرم که شما از ۵ سال پیش با درخواست رسمی عربستان سعودی موافقت امریکا هدف عملیات تروری بوده‌اید که مسئولیت اجرای آن را اسرائیل بر عهده داشته است؟**

این اطلاعاتی است که به ما رسیده است و ما نیز از مدت‌ها پیش براساس آنها عمل می‌کنیم.

**جناب «نصرالله» آنچه که بدان اشاره کردید در زمره اطلاعات بسیار مهم بوده و برای اولین بار است که توسط شما عنوان می‌شود. حقیقتا من شخصا با شنیدن این مسأله غافلگیر شدم. من از شما می‌خواهم اسامی طرف‌هایی که این اطلاعات را در اختیار تان قرار دادند، فاش کنید؛ اما آیا می‌توانید بگویید که این طرف‌ها، دولت بودند یا غیردولت و غیرمتحد؟ آیا غربی بودند یا غیرغربی؟**

طرف‌های شرقی و غربی، طرف‌های مختلف این اطلاعات را در اختیار ما قرار دادند.

**طبیعتاً جنایت ترور شهید «قاسم سلیمانی» توسط ایالات متحده امریکا اتفاق افتاد. اما سؤال این است که آیا این جنایت نیز جزئی از پروژه سه‌گانه امریکا، سعودی و صهیونیسم بوده است؟**
من چنین اعتقادی دارم.

**مقصودتان از اینکه چنین اعتقادی دارید،**

**چيست؟**
اعتقاد دارم که جنایت ترور حاصل پروژه سه‌گانه امریکا، سعودی و صهیونیسم بوده است. کسانتی بودند که ایالات متحده امریکا را تشویق و تحریک به ارتکاب این جنایت کردند. سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها کسانتی هستند که واشنگتن را تشویق و تحریک کردند. البته ممکن است طرف‌های دیگر نیز این کار را انجام داده باشند. با این حال، تنها طرفی که قادر بود این جنایت را عملیاتی سازد و مسئولیت سنگین آن را نیز بر عهده بگیرد «دونالد ترامپ» بود. از همین روی، نمی‌توان این جنایت را تنها یک جنایت امریکایی دانست

**می‌توانید توضیح بیشتری در خصوص این جنایت و شرکای آن بدهید؟**

طبیعتاً در این جنایت شرکایی وجود داشتند. من معتقدم که طرف اسرائیلی یکی از این شرکا محسوب می‌شود و سعودی‌ها نیز هر چند تنها در حوزه تشویق و تحریک نقش آفرینی کردند، اما هم در آن مشارکت داشتند. شاید اسرائیل از لحاظ اطلاعاتی و پیگیری کارهای اطلاعاتی هم در این جنایت دست داشته است. اما نقش سعودی‌ها طبیعتاً این‌گونه نبوده است. آنها تنها تحریک می‌کنند و پول می‌دهندد. کار دیگری از دست‌شان بر نمی‌آید که انجام دهند.

**آیا عملیات ترور «سردار سلیمانی» و یوای پنهانی نیز دارد؟ انجام این عملیات کار سختی نبود، زیرا حاج قاسم سلیمانی (رحمت‌الله علیه‌) از دمشق عازم بغداد شد و این سفر کاملاً علنی بود. با این حال، آیا این عملیات رزویایی پنهانی دارد که ما بتوانیم بر اساس این رزویا پازل خود در خصوص آن را تکمیل کنیم؟**

شما در برابر یک عملیات کاملاً آشکار قرار دارید. این عملیات در دل شب انجام شد؛ اما گویی که در وسط روز انجام شده است. این یک عملیات کاملاً آشکار است. طرفی که عملیات را انجام داد و پهبادهایی که در انجام این عملیات به کارگرفته شدند کاملاً مشخص هستند. ایالات متحده امریکا به طور رسمی و علنی مسئولیت انجام عملیات را بر عهده گرفت. این عملیات با عملیات ترور شهید «حاج عماد مغنیه» و نیز با عملیات ترور شهید «محسن فخری زاده» کاملاً متفاوت بود. عملیات تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا شباهت زیادی با عملیات ترور «سید عباس الموسوی» (رحمت‌الله علیه) داشت. در آن زمان، پهبادهای اسرائیلی به طور کاملاً آشکار محل استقرار «سید عباس الموسوی» را بمباران کردند. زمانی که امریکایی‌ها عملیات ترور «سردار سلیمانی» را اجرایی کردند، واضح بود که از مدت‌ها پیش این

عملیات را برنامه‌ریزی و طراحی کرده بودند. درست به همین دلیل است که «دونالد ترامپ» بارها و در مناسبت‌های مختلف و حتی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری صراحتاً اعلام کرد: «من قاسم سلیمانی را کشتم.»

**او در تمامی سخنرانی‌های خود در کمپین‌های تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری صراحتاً اعلام کرد: «من قاسم سلیمانی را کشتم.»**

بله همینطور است.

**جناب «نصرالله» شما «حاج قاسم» را بسیار خوب می‌شناختید. من به یاد دارم که حدود ۵ سال پیش از شما سؤال کردم که آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما نیز در پاسخ به‌طور خلاصه گفتید که او را می‌شناسم، زیرا یکی از شخصیت‌های عزیز و محبوب… است. پس از شهادت «سردار سلیمانی» نیز درباره شخصیت وی صحبت کردید. اکنون که یک سال از شهادت او سپری می‌شود می‌خواهم این سؤال را از شما بپرسم که از لحاظ انسانی، میدانی و راهبردی، شخصیت «حاج قاسم سلیمانی» را چگونه می‌فانید؟**

پاسخ دادن به این سؤال مستلزم بخش چند برنامه است. سخن گفتن در این زمینه طبیعتاً بسیار طولانی خواهد بود. به هر حال، اگر اکنون بخواهیم در این خصوص صحبت کنیم، قطعاً حق مطلب ادا نمی‌شود. چند روز دیگر و چند برنامه است. سخن گفتن در این زمینه طبیعتاً بسیار طولانی خواهد بود. به هر حال، اگر اکنون بخواهیم در این خصوص صحبت کنیم، قطعاً حق مطلب ادا نمی‌شود. چند روز دیگر و چند برنامه است.

پس از شهادت «حاج قاسم» من سخنرانی خواهم داشت و در این خصوص صحبت می‌کنم. طبیعتاً بر حسب شناختی که من شخصاً از «حاج قاسم» داشتم، او در بعد انسانی و نیز در بعد اخلاقی انسان برجسته‌ای بود. یکی از علل و عوامل اصلی موفقیت او در تمامی میدان‌ها برخورداری از همین شخصیت انسانی و اخلاقی بود. همه ما می‌دانیم که افراد نظامی معمولاً ظاهر و رفتاری خاص دارند و پروتکل‌های خاص خود را رعایت می‌کنند. با این حال، این ژنرال [قاسم سلیمانی] با مسئولیتی مهم و انسانی برجسته‌ای داشت. همگان می‌دانند، زمانی که برای اولین بار به مدت نیم ساعت یا یک ساعت با «حاج قاسم» دیدار می‌کردید، گویی که در کنار یک دوست و برادر نشست‌اید و از ده‌ها سال پیش تاکنون او را می‌شناسید. او طبیعتاً اهل ظاهرسازی نبود. او انسان متکبری نبود که ادای انسان‌های متواضع را در آورد. او ذاتاً یک انسان محبوب، متواضع و اخلاق‌مدار بود که برای کمک به دیگران اهتمام می‌ورزید و آماده بود به خاطر دیگران فداکاری کند. این احساسات، افکار،

مفاهیم و عواطف در نزد «حاج قاسم» کاملاً واقعی و حقیقی بودند.

**آیا شما خاطره‌ای دارید که در آن «حاج قاسم» شما را تحت تأثیر جنبه‌های اخلاقی و انسانی شخصیت خود قرار داده باشد؟**

امور زیادی از این دست وجود دارد که نهنتها من بلکه دیگران را نیز تحت تأثیر شخصیت

بدان معناست که او همواره در محاصره جنگ، مردی سخن خواهد گفت که سال‌های زیادی از عمرش را در جبهه‌های نبرد گذراند و افراد زیادی در مقابل دیدگانش به شهادت رسیدند. این سخن و سرسختی پیدا کرده‌اند. با تمامی اینها، می‌توانیم بر اساس این رزویا پازل خود در خصوص این جنایت و شرکای آن بدهیم؟

پاسخ دادن به این سؤال مستلزم بخش چند برنامه است. سخن گفتن در این زمینه طبیعتاً بسیار طولانی خواهد بود. به هر حال، اگر اکنون بخواهیم در این خصوص صحبت کنیم، قطعاً حق مطلب ادا نمی‌شود. چند روز دیگر و چند برنامه است.

پس از شهادت «حاج قاسم» من سخنرانی خواهم داشت و در این خصوص صحبت می‌کنم. طبیعتاً بر حسب شناختی که من شخصاً از «حاج قاسم» داشتم، او در بعد انسانی و نیز در بعد اخلاقی انسان برجسته‌ای بود. یکی از علل و عوامل اصلی موفقیت او در تمامی میدان‌ها برخورداری از همین شخصیت انسانی و اخلاقی بود. همه ما می‌دانیم که افراد نظامی معمولاً ظاهر و رفتاری خاص دارند و پروتکل‌های خاص خود را رعایت می‌کنند. با این حال، این ژنرال [قاسم سلیمانی] با مسئولیتی مهم و انسانی برجسته‌ای داشت. همگان می‌دانند، زمانی که برای اولین بار به مدت نیم ساعت یا یک ساعت با «حاج قاسم» دیدار می‌کردید، گویی که در کنار یک دوست و برادر نشست‌اید و از ده‌ها سال پیش تاکنون او را می‌شناسید. او طبیعتاً اهل ظاهرسازی نبود. او انسان متکبری نبود که ادای انسان‌های متواضع را در آورد. او ذاتاً یک انسان محبوب، متواضع و اخلاق‌مدار بود که برای کمک به دیگران اهتمام می‌ورزید و آماده بود به خاطر دیگران فداکاری کند. این احساسات، افکار،

مفاهیم و عواطف در نزد «حاج قاسم» کاملاً واقعی و حقیقی بودند.

**آیا شما خاطره‌ای دارید که در آن «حاج قاسم» شما را تحت تأثیر جنبه‌های اخلاقی و انسانی شخصیت خود قرار داده باشد؟**
امور زیادی از این دست وجود دارد که نهنتها من بلکه دیگران را نیز تحت تأثیر شخصیت بدان معناست که او همواره در محاصره جنگ، مردی سخن خواهد گفت که سال‌های زیادی از عمرش را در جبهه‌های نبرد گذراند و افراد زیادی در مقابل دیدگانش به شهادت رسیدند. این سخن و سرسختی پیدا کرده‌اند. با تمامی اینها، می‌توانیم بر اساس این رزویا پازل خود در خصوص این جنایت و شرکای آن بدهیم؟

پس از شهادت «حاج قاسم» من سخنرانی خواهم داشت و در این خصوص صحبت می‌کنم. طبیعتاً بر حسب شناختی که من شخصاً از «حاج قاسم» داشتم، او در بعد انسانی و نیز در بعد اخلاقی انسان برجسته‌ای بود. یکی از علل و عوامل اصلی موفقیت او در تمامی میدان‌ها برخورداری از همین شخصیت انسانی و اخلاقی بود. همه ما می‌دانیم که افراد نظامی معمولاً ظاهر و رفتاری خاص دارند و پروتکل‌های خاص خود را رعایت می‌کنند. با این حال، این ژنرال [قاسم سلیمانی] با مسئولیتی مهم و انسانی برجسته‌ای داشت. همگان می‌دانند، زمانی که برای اولین بار به مدت نیم ساعت یا یک ساعت با «حاج قاسم» دیدار می‌کردید، گویی که در کنار یک دوست و برادر نشست‌اید و از ده‌ها سال پیش تاکنون او را می‌شناسید. او طبیعتاً اهل ظاهرسازی نبود. او انسان متکبری نبود که ادای انسان‌های متواضع را در آورد. او ذاتاً یک انسان محبوب، متواضع و اخلاق‌مدار بود که برای کمک به دیگران اهتمام می‌ورزید و آماده بود به خاطر دیگران فداکاری کند. این احساسات، افکار،